

اصغر مهاجری، جامعه‌شناس رویکرد خیریه‌ها و سمن‌ها را نقد می‌کند

لزوم تجدیدنظر موسسات خیریه در افکار و اندیشه‌های خود

موسسات خیریه و سمن‌ها نیاز به پوست‌اندازی دارند

| طرح نو | سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی می‌توانند ایفای نقش کنند و مسئولیت‌هایی را به عهده داشته باشند و چنانچه این سازمان‌ها بتوانند در هر یک از این زمینه‌ها مسئولیت‌های خود را به خوبی انجام بدهند در مجموع می‌توانند کمکی در راستای توسعه جامعه باشند. سمن‌ها چون با فشار مردم در ارتباط هستند و به شکل مردمی فعالیت‌های خود را انجام می‌دهند، می‌توانند در فعالیت‌های خود ایفای نقش کنند. مردم به کارهای خیر را از گذشته‌های دور در کشورمان دید و این خصوصیت، ریشه در فرهنگ و تاریخ‌مان دارد. اما متأسفانه با گذشت روزگاران و با پیشرفت‌هایی که در امور مختلف داشته‌ایم تنها تعداد این موسسات افزایش یافته و دیگر از کارکردهای مطلوب و تاثیرگذار این موسسات خبری نیست، البته شاید این امر به گستردگی شهرها و افزایش جمعیت و در نتیجه افزایش آسیب‌ها و نیازها برگردد. شایان ذکر است که این موسسات در جوامع دیگر به عنوان مختلف وجود دارند و در نقش خود به خوبی ظاهر شده‌اند و کارهای زیرساختی زیادی برای جوامع خود انجام داده‌اند. برای آشنایی با نقاط ضعف و قوت موسسات خیریه با اصغر مهاجری، جامعه‌شناس به گفت‌وگو نشستیم که آن را در ادامه می‌خوانید.

سشما به عنوان یک جامعه‌شناس فکر می‌کنید مردم چه دیدگاهی نسبت به موسسات خیریه دارند و آیا این موسسات در حیطه فعالیت خود توانسته‌اند موفق ظاهر شوند یا خیر؟

زمانی که از موسسات خیریه سخن به میان می‌آید، اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود، شکل سنتی و هیبانی موسسات خیریه است. زمانی که ما در فرهنگ از این عنوان یاد می‌کنیم ذهن شنونده و کنسی که می‌خواهد این واژه را به طرق مختلف همراهی کند، می‌رود به سمت سنتی آن که معمولا گرایش‌های مذهبی دارد یا

دستیگری از نیازمندان، حمایت از کودکان بی‌سرپرست و کمک به تأمین معاش خانواده‌های بی‌ضاعت در کنار دهه‌ها کار خیر دیگر سال‌های است است که در فرهنگ ملی و مذهبی ما جاذبه‌ها و همه‌ما شنیده‌ایم که از قدیم الایام مساجد محلی برای شناسایی خیراندان‌های نیازمند محله بوده تا معتمدین برایشان پول و مایحتاج زندگی فراهم کنند، یا زورخانه‌هایی که مرتب برای آزادی زندانی‌ها و حمایت از کودکان بی‌سرپرست با تأمین هزینه جبهه‌های دختران و جمع‌کردن هزینه‌های درمان بیماران، گلریزان به راه می‌آنداختند و اتفاقا خیلی از گرفتاری‌های حل می‌شد، بیماری‌ها در میان می‌شد و دختران بسیاری به خانه بخت می‌رفتند. درواقع این اخلاق پسندیده برای هیچ ایرانی‌ای ناشناخته و غریب نیست. امروز اما شاید همان طور که سبک زندگی‌ها فرق کرده و آدم‌ها پیشرفت و بیشتر گرفتار روزمرگی شده‌اند، دیگر مثل قدیم حواس‌شان به هم نیست، باین حال رویه کمی به نیازمندان هنوز هم در میان مردم به خصوص قدیمی‌ترها یا همان سبک و سیاق سنتی وجود دارد. زندگی‌های مدرن امروزی چارچوب‌های سازماندهی‌شده‌ای برای فعالیت‌های خیریه می‌طلبد. با توسعه جامعه، دیگر خیریه‌های محلی و گلریزان‌های زورخانه‌ای جاگویی پاسخگویی به نیازمندان نیست و به همین دلیل موسسات مردمی خیریه که مدتی است که مدخله دیگران را دارند شکل گرفته و با تعریف خط مشی و چارچوب‌های مشخص برای جامعه هدف، کمک به نیازمندان را به شکلی امروزی‌تر دنبال می‌کنند.

با وجود تعداد زیاد موسسات خیریه و سمن‌ها متأسفانه ما باز تاب مناسبی از فعالیت این موسسات در سطح جامعه شاهد نیستیم. این ضعف‌ها کی‌جانشات‌ای می‌گردد و آیا راهکاری برای بهبود شرایط موجود وجود



خلاف‌هایی را می‌بینیم و سهم عمده اینها نیز به این دلیل است که دولت‌ها مسئولیت خود را در قبال شهروندان به خوبی انجام نمی‌دهند.

وقتی صحبت از فعالیت دولت در زمینه موسسات خیریه به میان می‌آید، بیشتر صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که دولت نمی‌تواند در این زمینه فعالیت موثری انجام بدهد و تنها باید ناظر باشد. اگر دولت موسسات این پتانسیل را دارند که بازی از روی دوش جامعه بردارند؟

من پاسخ را با ذکر مثالی می‌دهم تا شفاف‌تر و ملموس‌تر باشد. در ابتدا قرار بود کمیته اسناد به‌عنوان یک سمن و براساس ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مردمی و تشکیل‌دهندگان آنجا وظیفه کند اما چیزی که ما شاهدیم این است که این کمیته دولتی شده است و از بدوجه دولت بهره‌ر، زمانی که سخن از موسسه خیریه یا سمن به میان می‌آید منظور این است که هم‌کاری کنندگان مردم هستند و هم کسانی که این کمک‌ها را سر و سامان می‌دهند و مدیریت می‌کنند یعنی عملیات خود مشغول فعالیت باشند اما امروزه مردم کمک‌هایی به کمیته امداد می‌کنند، ولی تشکیلاتی کاملا دولتی وجود دارند که حقوق‌گیری می‌کند درحالی‌که در گذشته خود این عوامل انجام می‌دادند و به افتخاری‌کاری می‌کردند و حالا این تبدیل شده به یک سازمان عریض و طویل بزرگ‌تر است دولتی که هر سال برایش بودجه تعیین می‌شود. برخی اوقات

موسسات خیریه‌ای که در نظام سنتی ما بود ما می‌گوییم ریشه در فرهنگ ما دارد. نیاز به پوست‌اندازی و تغییر دارند تا بتوانند متناسب با تغییرات جهان امروز، شکل در مقابل نیز دولت‌ها بگیرند. البته تغییرات جدی‌کنند

می‌گیرند و در پشت پرده این قضایا را پیگیری نمی‌کنند و برخی از آنها تشکیل می‌شوند تا برای خود و اعضایشان فعالیت‌های اجتماعی راه بیندازند. این به این دلیل است که دولت نقش خود را خوب ایفا نکرده است. از آن‌جا که ما جامعه جوانی داریم و بیکاری دفعه‌ها اجتماعی مهمی است برخی بر این باور بودند که می‌شود این تشنگی را ایجاد شغل از طریق سمن‌ها سیراب کرد اما در این راستا نیت و هدف اصلی که در شکل‌گیری سمن‌ها باید دنبال می‌شود، نادیده گرفته می‌شود و به همین دلیل ما

نسبت میان فعالیت‌های خیریه و پیشرفت جامعه در گفت‌وگو با مدیر عامل موسسه خیریه پیام امید

توسعه فعالیت خیریه‌ها، همان توسعه اجتماعی است

ایران در کمک‌رسانی به اقشار آسیب‌پذیر تبه‌هشتاد و ششم را در میان کشورهای دنیا دارد



زاضیه زرگری
خبرنگار گروه طرح نو

دستیگری از نیازمندان، حمایت از کودکان بی‌سرپرست و کمک به تأمین معاش خانواده‌های بی‌ضاعت در کنار دهه‌ها کار خیر دیگر سال‌های است است که در فرهنگ ملی و مذهبی ما جاذبه‌ها و همه‌ما شنیده‌ایم که از قدیم الایام مساجد محلی برای شناسایی خیراندان‌های نیازمند محله بوده تا معتمدین برایشان پول و مایحتاج زندگی فراهم کنند، یا زورخانه‌هایی که مرتب برای آزادی زندانی‌ها و حمایت از کودکان بی‌سرپرست با تأمین هزینه جبهه‌های دختران و جمع‌کردن هزینه‌های درمان بیماران، گلریزان به راه می‌آنداختند و اتفاقا خیلی از گرفتاری‌های حل می‌شد، بیماری‌ها در میان می‌شد و دختران بسیاری به خانه بخت می‌رفتند. درواقع این اخلاق پسندیده برای هیچ ایرانی‌ای ناشناخته و غریب نیست. امروز اما شاید همان طور که سبک زندگی‌ها فرق کرده و آدم‌ها پیشرفت و بیشتر گرفتار روزمرگی شده‌اند، دیگر مثل قدیم حواس‌شان به هم نیست، باین حال رویه کمی به نیازمندان هنوز هم در میان مردم به خصوص قدیمی‌ترها یا همان سبک و سیاق سنتی وجود دارد. زندگی‌های مدرن امروزی چارچوب‌های سازماندهی‌شده‌ای برای فعالیت‌های خیریه می‌طلبد. با توسعه جامعه، دیگر خیریه‌های محلی و گلریزان‌های زورخانه‌ای جاگویی پاسخگویی به نیازمندان نیست و به همین دلیل موسسات مردمی خیریه که مدتی است که مدخله دیگران را دارند شکل گرفته و با تعریف خط مشی و چارچوب‌های مشخص برای جامعه هدف، کمک به نیازمندان را به شکلی امروزی‌تر دنبال می‌کنند.

فعالیت‌های خیریه در فرهنگ ملی و دینی ما وجود داشته است؛ صدقه و کمک به

افراد که شرایط مالی مناسب‌تری دارند. معمولا جوانان در این زمینه شاید خیلی جامعه هدف نباشند چون کمترین تعداد را در جامعه ما هست که وضع مالی بسیار خوبی داشته‌باشد.

تعلیمات یا برگزاری بازارچه برای معرفی موسسات خیریه در کشور ما از روش‌های مرسوم تلقی می‌شود. به نظر شما بهترین ساز و کار برای توسعه فعالیت‌های اجتماعی میان اقشار جامعه چیست؟

به هر شکل برای جلب مشارکت هر دو گروه ابراز‌های مختلفی وجود دارد؛ نکته مهم و اساسی آگاهی‌بخشی است که باید برای همه گروه‌های هدف صورت گیرد؛ این که موسسه خیریه بتواند به افرادی که از لحاظ مالی و معنوی حامی می‌شوند، آگاهی‌بخشی داشته باشد و پرورش فعالیت‌هایشان را برای آنها روشن توضیح دهد بسیار اهمیت دارد تا جای هیچ شک و شبه‌هایی باقی نماند. ابزار آگاهی‌دانی به این افراد هم متفاوت است. موسسات اغلب از نشان دادن نتایج و اهدافی که به آن دست پیدا کرده‌اند، استفاده می‌کنند به‌طوری که برای جلب حمایت افراد کارنامه فعالیت‌های پیشین خود را به آنها معرفی و آنها را نسبت به این که کمک‌شان چه تاثیری می‌تواند داشته باشد، آگاه می‌کنند. بعد از آن آرایه‌گزارشی شفاف و دقیق می‌تواند در تعمیم فعالیت‌های خیریه به افراد جامعه تاثیرگذار باشد، چرا که افراد وقتی به‌طور ملموس می‌بینند فعالیت‌هایشان چه تاثیری می‌تواند داشته باشد، دو نتیجه مهم از این زرخشی حاصل می‌شود. اول اعتمادسازی و دوم ترویج فعالیت‌های اینچنینی توسط خود این افراد به دیگر افراد جامعه.

در این جالنت‌های که حایز اهمیت است و موسسات خیریه به‌عنوان ابزار از آن می‌توانند به بهترین شکل بهره‌برند، ابزار رسانه‌است که قطعا می‌تواند تاثیر

هم‌به‌عنوان ابزاری برای ترویج فعالیت‌های خیریه‌ای استفاده کرد؛ آیا شما تجربه‌ای از الگوسازی برای توسعه فعالیت‌های خیریه به‌در سطح جامعه داشته‌اید؟

الگوسازی جدید به این برمی‌گردد که موسسات بتوانند راه‌هایی را برای ترغیب افراد به پیوستن به مجموعه‌شان پیش رو داشته باشند. در این بحث حتما باید امتیازاتی برای افرادی که مشارکت داشته‌اند در نظر گرفته شود تا آنها به ادامه مسیر و توسعه کمک‌هایشان روی بیاورند. به‌ویژه کسانی که از لحاظ مالی از فعالیت‌های خیریه به‌حمایت می‌کنند؛ بخشی از این کار دست خود موسسات خیریه است که می‌تواند در قالب تقدیر و تشکر از افراد باشد. بخش دیگر دست سیاست‌گذاری‌های دولت و مسئولان برای فعالیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد است. اینکه دولت بتواند برای این افراد مشوق ایجاد کند، مثلا تسهیلاتی برای کسانی که در امور خیریه فعالیت دارند در نظر بگیرد یا برای کسانی که مدرسه‌سازی می‌کنند یا به ساخت سرنه‌های نیازمندان کمک‌می‌کنند معافیت‌های مالی و تسهیلات مالی در نظر گرفته شود. قطعا این تسهیلات می‌تواند برای کسانی که کمک‌های مالی می‌کنند، تشویق کننده باشد که هم‌آدمه فعالیت توسط خیرین و ترویج کارهای خیرخواهانه توسط همین افراد، برده‌اند دنبال خواهد داشت.

در بحث حمایت‌های سیستمی یا حمایت‌های دولت که با یسند از فعالیت‌های موسسات خیریه صورت‌گیرد، موسسات توسعه فعالیت‌ها را برای این موسسات هموار کند، آیا اخیرا و یکی دو سال گذشته اتفاق تازه‌ای در این زمینه افتاده‌است؟

اتفاق جدید رسمی که می‌تواند برای موسسات خیریه دلگرم‌کننده باشد، طرحی است که گویا اخیرا در این حوزه آرایه‌شده و در مورد اوراق وقف است. یعنی خیرین می‌توانند مبالغی را در اختیار داشته باشند و اتفاقی که از این اوراق به‌دست می‌آورد برای کمک به رفیق نیازمندی‌های جامعه استفاده کنند. تنها طرح جدیدی که من در این حوزه در سیستم‌های دولتی دیدم، همین اوراق وقف بود و گرنه راهکاری که بتواند به این جریان کمک کند، ایجاد نشده است. قطعا حمایت‌دولت‌از

سمن‌های خیریه بسیار تاثیرگذار است چون نقش این موسسات نقش مکمل در فعالیت‌های توسعه اجتماعی است که توسط سیستم‌های رسمی و دولتی پیگیری می‌شود و اساسا وظیفه اصلی نهادهای رسمی متولی جامعه است.

